Archive of SID

JSPPP, (14)67: 141-154, December 2021

Journal of Stylistics of Persian Poetry and Prose
(Bahar-e- Adab)
Home page: http://www.bahareadab.com

ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis the style of "Rasael-ol-ejaz"based on Layer stylistics (phonetic, syntactic, rhetorical and ideological layer)

M. Afzali *, A. Amiri Khorasani, M. Sadegh Basiri
Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 12 December 2020
Reviewed: 13 January 2021
Revised: 31 January 2021
Accepted: 14 March

KEYWORDS
Rasael al-Ejaz, Ejaz Khosravi, AmirKhosrow Dehlavi, Layered Stylology

*Corresponding Author
✉ *m.afzali3333@gmail.com*
☎ (+98 34) 31322400

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: "Rasael al-Ijaz" or "Ijaz Khosravi" is a valuable work of Amir Khosrow Dehlavi, which was written in the early eighth century in the field of writing and composition. Considering that no revised correction of this work has been made in our country so far and also considering the importance and position of this work in the field of literary works of technical prose, on the part of the researchers' lack of attention to this precious work, the authors decided that Research the stylistics of the work based on layered stylistics. Due to the breadth of the subject, in the present study, the analysis of three levels of phonetic, rhetorical and ideological has been proposed.

METHODOLOGY: This research has been done by analytical-descriptive method.

FINDINGS: Based on the findings of this study, the most prominent stylistic coordinates of the work at the phonetic level are abundant application of rhyme and paronomasia, acrostic and parallelism, repetition types (alliteration and assonance) that have increased the beauty and harmony of speech in terms of phonetic relations. The most prominent Stylistic features of "ejaz Khosravi" in the field of rhetoric can be called the observance of textual appropriateness and coherence. Types of ambiguity, including the ambiguity of proportionality, the ambiguity of contradiction, and the ambiguity of translation, or in the words of Amir Khosrow, " tarjomat-al-lafz " and "zemn –al- lafz", can in fact be considered as examples of lexical coherence in several places in his book.

CONCLUSION: Therefore, it can be concluded that the author of "Rasael al-Ijaz" has expressed a unique writing style in this work, which is based on the observance of appropriateness and coherence. The use of examples of coherence and continuity such as types of ambiguity, as well as the invention of new figurative of device in this field, such as "tarjomat-al-lafz " and "zemn-al-lafz" by Amir Khosrow and their abundant use, can indicate the importance of proportionality between the components of the text.

DOI: 10.22034/bahareadab.2021.14.5686

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
12	0	0

www.SID.ir

Archive of SID

سبک شناسی نظم و نثر فارسی(بهار ادب)؛ آذر ۱۴۰۰، دوره ۱۴، شماره پیاپی ۶۷، صص ۱۵۴-۱۴۱
DOI: 10.22034/bahareadab.2021.14.5686

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بررسی سبک نسخه خطّی «رسایل‌الاعجاز» بر مبنای سبک‌شناسی لایه‌ای

مریم افضلی*، احمد امیری خراسانی، محمّدصادق بصیری
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: «رسایل الاعجاز» یا «اعجاز خسروی»، اثر ارزشمند امیرخسرو دهلوی است که در اوایل قرن هشتم ه.ش در حوزهٔ کتابت و انشا به نگارش درآمده است. با توجّه به اینکه تاکنون در کشور ما تصحیح منقّحی از این اثر صورت نگرفته است و نیز با توجّه به اهمّیّت و جایگاه این اثر در حوزهٔ آثار ادبی نثر مصنوع، و کم‌توجّهی محقّقان به این اثر گرانبها، نویسندگان بر آن شدند مختصّات سبکی اثر را بر مبنای سبک‌شناسی لایه‌ای مورد پژوهش قرار دهند. بدلیل گستردگی موضوع، در پژوهش حاضر، تحلیل سه سطح آوایی، بلاغی و ایدئولوژیک مطرح شده است.

روش مطالعه: این پژوهش، به روش تحلیلی ـ توصیفی صورت گرفته است.

یافته‌ها: براساس یافته‌های این پژوهش، برجسته‌ترین مختصّات سبکی اثر در سطح آوایی، کاربرد فراوان سجع و جناس، ترصیع و موازنه و اقسام تکرار است که زیبایی و هماهنگی کلام را ازلحاظ روابط آوایی افزون کرده است. بارزترین ویژگی سبکی اعجاز خسروی در حوزهٔ بلاغی را میتوان رعایت تناسب و انسجام متنی نام برد. اقسام ایهام، اعمّ از ایهام تناسب، ایهام تضادّ و ایهام ترجمه یا به تعبیر امیر خسرو، «ترجمه‌اللّفظ» و ضمن‌اللّفظ را در واقع میتوان از مصادیق انسجام واژگانی بحساب آورد.

نتیجه‌گیری: مؤلّف رسایل‌الاعجاز سبک نویسندگی منحصربفردی در این اثر از خویش بروز داده است که اساس آن بر رعایت تناسب و انسجام است. کاربرد مصادیق انسجام و پیوستگی مانند اقسام ایهام، همچنین، ابداع صنایع جدیدی در این حوزه، نظیر «ترجمه‌اللّفظ» و «ضمن‌اللّفظ» توسّط امیرخسرو و وفورکاربرد آنها میتواند بیانگر اهمّیّت رعایت تناسب میان اجزای متن، برای وی باشد.

تاریخ دریافت: ۲۲ آذر ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۲۴ دی ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۱۲ بهمن ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۲۴ اسفند ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:
رسایل الاعجاز، اعجاز خسروی، امیرخسرو دهلوی، سبک‌شناسی لایه‌ای.

* نویسنده مسئول:
m.afzali3333@gmail.com
(+۹۸ ۳۴) ۳۱۳۲۲۴۰۰

www.SID.ir

Archive of SID

مقدّمه

از قرن نوزدهم به بعد، تحوّل عظیمی در مطالعات ادبی رخ داد و تفسیر متون، بیشتر از منظر مسائل زبانی صورت گرفت. در این زمان، رویکردهای نوین سبک‌شناسانه نیز شکل گرفت و اساس سبک‌شناسی بر مطالعات متنی و شاخه‌های زبانشناسی قرار گرفت. برای نخستین بار، محمود فتوحی در کتاب «سبک‌شناسی، نظریّه‌ها، رویکردها و روشها» به تقسیم‌بندی جدیدی از سبک پرداخت و سبک‌شناسی لایه‌ای یا مدرن را مطرح ساخت که در واقع، ترکیبی از شیوه‌های سنّتی و مدرن در تحلیل متون و آثار ادبی است. وی سبک‌شناسی را به دو شاخهٔ نظری و عملی تقسیم کرده است. در شاخهٔ نظری، بیست و سه رویکرد سبک‌شناسی را معرّفی کرده و در شاخهٔ عملی، لایه‌های پنج‌گانه را مطرح میکند که عبارتند از: لایهٔ آوایی، بلاغی، نحوی، واژگانی و ایدئولوژیک.

در سالهای اخیر، رویکردهای متعدّدی در سبک‌شناسی معرّفی شده است و نظریّات مختلفی بویژه توسّط محقّقان اروپایی مطرح شده که هرکدام از منظر خاصّی به سبک‌شناسی توجّه کرده‌اند؛ امّا امتیاز برجستهٔ روش سبک شناسی لایه‌ای، جامع بودن آن است؛ به عبارت دیگر، در این روش، سبک‌شناس «از کوچکترین سازه‌های زبان یعنی آواها آغاز میکند و تا واژه‌ها و انواع و کیفیّت کاربرد آنها و تعابیر و ترکیبات، همچنین نحو و ساختار جمله‌ها و بلاغت و کاربرد اندیشه و ایدئولوژی هنرمند به تجزیه و تحلیل میپردازد و درنهایت، از مجموع کلّیّت ساختاری اثر، به اهداف هنری سخنور پی میبرد» (محمّدی افشار و شایان مهر، ۱۳۹۶).

رسایل الاعجاز یا «اعجاز خسروی»، اثر برجستهٔ امیرخسرو دهلوی است که در اوایل قرن هشتم هجری به نگارش درآمده است. موضوع اصلی کتاب، کتابت و انشاست و نویسنده در آن به شرح قواعد نگارش و اصولی که باید در کتابت رعایت شود میپردازد. این کتاب، شامل پنج رساله به این شرح است: رسالهٔ اول: فی المفردات و المرکّبات، رسالهٔ دوم: فی المرتّبات من المکتوبات، رسالهٔ سوم: فی اللّطائف من المصنوعات، رسالهٔ چهارم: فی البدایع من المعنویّات، رسالهٔ پنجم: فی السّوابق من المنشآت.

این اثر از بهترین نمونه‌های نثر فنّی و مصنوع است. نثری سرشار از صنایع لفظی، آرایه‌های معنوی، اطناب، کاربرد فراوان آیات و احادیث، امثال و اشعار فارسی و عربی و... بسامد بالای برخی از آرایه‌های بدیعی در متن نسخه، آنها را به مختصّات سبکی تبدیل کرده؛ ازاینرو تحلیل سبک‌شناسی متن آن اهمّیّت بسزایی دارد.

سابقهٔ پژوهش

اگرچه رسالهٔ اعجاز خسروی در هندوستان بسیار مورد پژوهش قرار گرفته، ولی متأسفانه در ایران به آن کم‌توجّهی شده است. تعداد پژوهشها و تحقیقهایی که درمورد این اثر نگاشته شده، انگشت‌شمار و اندک است. در میان این آثار، میتوان از نوشته‌های زیر نام برد:

پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد آذر صوابی اصفهانی در دانشگاه پیام نور تهران با عنوان «تصحیح انتقادی اعجاز خسروی امیرخسرو دهلوی» که تنها به تصحیح رسالهٔ پنجم این اثر پرداخته است.

مقالهٔ «بررسی موسیقی درونی در اعجاز خسروی و خزاین‌الفتوح امیرخسرو دهلوی»، ابراهیم رضایی، عبدالعلی اویسی کهخا، و محمود عباسی (۱۳۹۵)

مقالهٔ «نسخه‌شناسی و تصحیح متن انتقادی کتاب رسائل‌الاعجاز امیرخسرو دهلوی» تألیف نرزی قول محمودزاده از دانشگاه تاجیکستان.

مقالهٔ «بررسی انتقادی اعجاز خسروی (جلد سوم)» تألیف سیّداحسن الظّفر از دانشگاه لکنهو.

www.SID.ir

Archive of SID

با توجّه به اهمّیّت این اثر در بین آثار ادبی، نویسندگان بر آن شدند تا برخی ویژگیهای سبکی اثر را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده تا این اثر ارزنده، بیش از پیش به مخاطبان شناسانده شود. پژوهش حاضر، برگرفته از رسالهٔ دکتری است و در بخش زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال ۱۳۹۹ صورت گرفته است.

بحث و بررسی

بدون شک بررسی موضوعات و حوادث زندگی هر نویسنده‌ای در شکل‌گیری سبک ادبی او مؤثّر است. ازاینرو معرّفی مختصری از زندگینامهٔ مؤلّف، ضروری است.

معرّفی مؤلّف و آثارش

ناصرالدّین خسروبن امیر دهلوی، در سال ۶۵۱ ه.ق در قریهٔ پتیالی هندوستان به دنیا آمد. پدرش، سیف‌الدّین محمود، از خانان ترک قبیلهٔ لاچین در نواحی قرشی و بلخ بود که بدلیل حوادثی به کابل و سپس هند مهاجرت کرد. مادرش نیز دختر یکی از اعیان دهلی بود. در کودکی پدرش را ازدست داد. وی در دورهٔ جوانی، نزد نظام‌الدّین اولیاء، عارف پرآوازهٔ دهلی به سیروسلوک عرفانی پرداخت و ارادت خاصّی به ایشان پیدا کرد. پس از چندی، به رسم شاعران دیگر در پی یافتن ممدوحی برآمد و به دربار پادشاهان و بزرگان روی آورد و به مدح پرداخت. سرانجام به سال ۷۲۵ ه.ق در سن ۷۳سالگی درگذشت و در کنار آرامگاه پیر و مراد خود، شیخ نظام‌الدّین اولیا به خاک سپرده شد (زرّین‌کوب، ۱۳۵۶).

در قرون ۷ و۸ ، فضلا و علمای هندی، در رقابت با منشیان و نویسندگان ایرانی میکوشیدند که در نگارش متون تاریخی و ادبی خود، بیشتر بدنبال هنرنمایی و اظهار فضل باشند تا معنای کلام. رسایل‌الاعجاز یکی از بهترین نمونه‌های نثر فنّی و مصنوع است که در این زمان در هندوستان به نگارش درآمده است. نثر کتاب، سرشار از صنایع لفظی و آرایشهای معنوی و اطناب سخن بدلیل توصیفات دور و دراز، بکار بردن اصطلاحات علمی و ذکر امثال و اشعار و شواهد شعری اعمّ از فارسی و عربی است. بطور کلّی، نثر بیشتر آثار امیر خسرو مصنوع و متکلّف است؛ ولی این خصیصه در رسایل الاعجاز به حدّ افراط میرسد؛ بطوریکه گاهی معنای کلام در لابلای لفّاظیها و صنعت‌پردازیهای نویسنده گم میشود و خواننده بسختی میتواند فحوای کلام را بدرستی دریابد. در واقع هدف نویسنده، بیشتر، صنعتگری و آرایشهای کلامی است تا بیان مفهوم. البتّه امیرخسرو در اواخر عمر با افزایش گرایش به زهد و انزوای صوفیانه، دست از این شیوهٔ نگارش برمیدارد و حتّی از آن ابراز بیزاری میکند و آن را مایهٔ «اضاعت عمر» میداند؛ زیرا به اعتقاد او، این تکلّفهای دیوانی مانع از اشتغال به لطایف غزل و موعظه و توحید الهی است؛ بطوریکه کتاب *افضل الفواید* را به نثر ساده و بیتکلّف به رشتهٔ تحریر درمی‌آورد (زرّین کوب، ۱۳۵۴).

بررسی و تحلیل سبک‌شناسی لایه‌ای رسایل الاعجاز

هر بخش از یک متن، مجموعه‌ای منسجم از سطوح مختلف زبانی است. بر مبنای سبک‌شناسی لایه‌ای، هر متن در پنج سطح آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک قابل‌تحلیل است.

لایهٔ آوایی

تحلیل آوایی عبارت است از «بررسی آواهای زبان، آنگونه که در گفتار، تولید و ادراک میشوند؛ شیوهٔ تلفّظ واژه‌ها

www.SID.ir

Archive of SID

درگفتار و الگوهای زبان نوشتار (نویسه‌شناسی) با استفاده از علم آواشناسی بررسی میشود» (فتوحی، ۱۳۹۰). تفاوتهای آوایی در زبان، ناشی از عوامل و متغیّرهای متعدّدی مانند متغیّر جغرافیایی، جنسیت، فیزیولوژیک، تاریخی و نویسه‌شناسی است. متغیّر جغرافیایی، به این معنی که گاهی تفاوت آوایی لهجه‌های محلّی موجب تفاوت در صورت آوایی سخن و درنتیجه سبکهای متمایز نویسندگان میشود. جنسیت و تفاوت لحن و کششهای آوایی زنان و مردان نیز از عواملی است که در چگونگی نظام آوایی زبان تأثیر دارد. متغیّر فیزیولوژیک یا تفاوتهای سنّی و بدنی در افراد که موجب تفاوتهای آوایی در گفتار میشود و متغیّر تاریخی که در این نسخه قابل بررسی است، عبارت است از زبان نوشتار و صورت نوشتاری آواها (نویسه‌ها) که در طول زمان و در گذر ادوار تاریخ، دچار تحوّل و دگرگونی میگردد. در نسخ خطّی کهن، با صورتهای متفاوتی از نویسه‌ها مواجه میشویم که قابل توجّه و بررسی است. «در روند دگردیسی خطّ فارسی از قرن چهارم تا امروز، میتوان گونه‌های نوشتاری متفاوتی را شناسایی کرد که خود، نشان از تفاوت و دگردیسی آوایی زبان فارسی در سرزمینها و دوره‌های مختلف دارد» (فتوحی، ۱۳۹۰). لایهٔ آوایی زبان، بیش از همه در سخن ادبی قابل بررسی و تحلیل است. «شاعر با بهره‌گیری از لایهٔ آوایی زبان، صورتهای زیبایی‌شناسیک برجسته‌ای میسازد. بویژه در ساخت آرایه‌های لفظی و بدیع و موسیقی کلام» (همان). شاید بتوان گفت بارزترین ویژگی سبکی این اثر در حوزهٔ آوایی، فراوانی تسجیع و تجنیس است که نوعی تناسب و هارمونی در نثر ایجاد کرده است (رضایی و دیگران، ۱۳۹۵). «جناس، آن است که نویسنده در سخن خود، کلمات همجنس بیاورد که در ظاهر به یکدیگر شبیه، ولی در معنی مختلف باشند» (همایی، ۱۳۶۷). در جملات زیر، قبله و قُبله، ضلال و ظلال، نفوس و نقوش، دَرج و دُرج با یکدیگر جناس دارند.

ظلال ضلال از سواد شرق و غرب به پرتو ذات او محو شده (رسائل‌الاعجاز: ص۱۰)

قاصد صادق فرستاده شد تا حال عبید بعید پیش رقیب قریب شمار رشحی شرح دهد. (همان: ص ۱۴۵).

صانع خالق الخلقی که طغرای اَلا لَهُ الخَلقُ وَالاَمر را بر ورق نورانی چرخ که نفوس و نقوش کون در دُرج آن دَرج پذیرفته است بحکمت شامل نگار بست (همان: ص ۷).

تقابل اسجاع و اقسام جناس (اعمّ از جناس تامّ، جناس ناقص، جناس لفظ، جناس قلب، جناس خطّ، جناس مطرّف، جناس اشتقاق، جناس شبه‌اشتقاق) در جملات، موجب هماهنگی و زیبایی بیشتر کلام شده است. برای مثال، در جملات زیر، کلمات «عتق» و «عنق» و کلمات «رقاب» و «رقابت»، نیز واژه‌های «رقبه» و «ربقه» با یکدیگر آرایهٔ جناس دارند: «و از کمال اشفاق او در باب ذرّیات آدم، سلسلهٔ بندگان و بندیان خطّ مسلسل عتق عنق ایشان گشته و تحریر آن رقاب به رقابت تمام کرده و از وفور اقتدار او، حبل الورید همه گردن تابان اطاعت، رسن گلوی ایشان شده تا همچنان با قید رقبه در ربقهٔ انقیاد درآمده» (همان: ص۳۴)

مصادیق مختلف تسجیع در کلام اعمّ از ترصیع، موازنه، مماثله، تضمین‌المزدوج یا اعنات‌القرینه و مزدوج یا قرینه در دیباچهٔ این نسخه از بسامد بالایی برخوردار است. ترصیع یکی از مختصّات سبکی این اثر است که ازلحاظ موسیقایی، کلام را بسیار قوی میکند. به عبارت دیگر، دو جمله یا دو فقرهٔ متن حکم دو مصراع را پیدا کرده که موزون و مقفّی هستند. در نمونه‌های زیر، جملات در تقابل یکدیگر قرار دارند:

«حمدی که در سواد آن، ابداً سر قلم بگردد و ثنایی که در سواد آن، خالد، ادهان دوات بازماند، نقشبند دیباچهٔ کاف و نون و ورقگشای سپهر بوقلمون را، که سرنبشت مردم از قلم به حکمت اوست و سرنبشت قلم از مردم هم به حکومت او» (همان: ص ۲).

www.SID.ir

Archive of SID

«هفت فیلسوف چرخ، از دو حرف کاف و نون او حیران و نه پرگار دوّار، از یک نقطهٔ صنع او سرگردان؛ بلک رقمکُن، پای موری در بیابان حکم او و نقطهٔ وجود، سر مگسی از خوزستان حکم او» (همان: ص ۸).

تکرار یکی دیگر از روشهایی است که در رسایل‌الاعجاز موجب افزونی موسیقی کلام میگردد. تکرار و تناوب در کلام از اصول زیباشناسی کلام و از ویژگیهای سبکی امیرخسرو در این اثر محسوب میشود. امیرخسرو در ضرورت تکرار لفظ میگوید: «تکرار لفظ درین کتاب عیب نمیدارم؛ از آن سبب که این تکرار، هر بار بر بام بلند معنی دیگر خواهد بود که آن معنی محتاج باشد بدان لفظ؛ که اگر آن لفظ، قوّت تکرار نیابد معنی بلیغ از محل انگیخت دور افتد و چون سبق بی تکرار نسیاً منسیّاً گردد، هم درین مقامه سخن، که نسبت تکرار و فروخواند و سبق و آنچه از لوازم این است التزام افتاده است، الفاظ مکرّر را به اتّفاق نگاه باید کرد و دریافت که آوردن از ضرورتی خالی نیست. چون چنین باشد، تا حدّ امکان از تکرار لفظ، احتراز، اولی؛ مگر در محلّ ضرورت که روشن کردن صورت معنی بدان موقوف باشد» (همان: ص ۷۵).

در رسایل‌الاعجاز، تکرار صامت (همحروفی) بسامد بیشتری دارد. در عبارت زیر، تکرار حروف «دال» و «راء» را میبینیم: «دال دوُر دَوِ ادراک به دویدن در بادیهٔ معرفت او، گمراه و عین دوربین عقل، به رسیدن بر کنگرهٔ کبریاء، نظرِ کوتاه» (همان: ص ۹).

با بررسی لایهٔ آوایی در نثر رسایل‌الاعجاز، به این نتیجه میرسیم که این اثر، بلحاظ موسیقی درونی متن، بسیار غنی است. متن اثر، بخصوص در دیباچه، سرشار از صنایع بدیع لفظی، از قبیل انواع سجع، جناس و تکرار است که موسیقی کلام را از نظر روابط آوایی بیشتر میکنند. مبنای این آرایه‌های بدیع لفظی، بر تناسب و تساوی نسبی صامتها و مصوّتهاست. در مقدّمهٔ آن که به حمد باری تعالی و مدح رسول (ص) و خواجه نظام‌الدّین اولیا میپردازد، تقابل اسجاع با یکدیگر (صنعت ترصیع و موازنه) و نثر موزون اثر بحدّی است که میتوان آن را بعنوان یک ویژگی سبکی امیرخسرو برشمرد.

لایهٔ بلاغی

کاربرد وسیع برخی آرایه‌های بلاغی، اعمّ از لفظی و معنوی، در شمار اساسیترین ویژگیهای سبکی این اثر است. «در ادبیات شعری، ادبیت متن و عبور از زبان به ادبیات، از رهگذر کاربرد شگردهای بلاغی بویژه زبان مجازی صورت میگیرد. شگردهای بلاغی و صناعات بدیعی را تمهیدات سبکی نیز مینامند. تمهیدات سبکی، هم در آفرینش متن خلّاقه کارآمد هستند و هم به فرایند خوانش و تحلیل متن یاری میرسانند. این تمهیدات در سه سطح موسیقی زبان (بدیع و عروض و قافیه)، تصویرپردازی و تخییل (بیان) و دلالتهای ثانوی جمله‌ها (معانی النّحو) با کمک روشهای تحلیل بلاغی بازشناخته میشود» (فتوحی، ۱۳۹۰). بر مبنای همین کاربردهای بلاغی، میتوان به درون‌نگری یا برون‌نگری گوینده، نوع اندیشه و سبک فردی او پی برد.

از شگردهای بلاغی رسایل‌الاعجاز که بیشترین بسامد را دارند، بطوریکه میتوان آن را بعنوان یک مختصّهٔ سبکی بشمار آورد، رعایت تناسب و انسجام متنی است. در زبانشناسی و تحلیل گفتمان، وحدت بین عناصر و بخشهای متن، ناشی از دو عامل انسجام و پیوستگی است که بواسطهٔ زنجیره‌های سطحی زبانی حاصل میشود (داد، ۱۳۸۵). تناسب در کلام، عبارت است از ایجاد هارمونی یا تناسب معنایی بین کلمات. اقسام ایهام، اعمّ از ایهام تناسب، ایهام تضاد و ایهام ترجمه یا به تعبیر امیرخسرو، «ترجمه‌اللّفظ» را در واقع میتوان از مصادیق تناسب و انسجام واژگانی بحساب آورد که موجب پیوستگی و ارتباط عناصر متن با یکدیگر شده است. صنعت ایهام در اعجاز خسروی، جایگاه

www.SID.ir

Archive of SID

خاصّی دارد. امیرخسرو در چندین جای از اثرش، اساسیترین مختصّهٔ سبکی آن را، کاربرد ایهام و خیال در حدّ وسیع معرّفی میکند: «امّا آنچه از جملگی خزاین مصنوعات قدیم برای تحلیهٔ این طرز گزیده و پسندیده، بیرون آورده شد، دو صنعت است: یکی ایهام و دوم خیال... بدین جواهر دُرافشان، این گنجینه را مالامال کردم و و از هر نوع تشبیهات غریب و استعارات بدیع و مبالغتهای عجیب و معنیهای دقیق، بیرون خیال که از خیال بیرون باشد و در ندرت از لعل سفید و گوگرد سرخ، نایابتر، در اثنای بربست خیالات، جای به جای، چون یاقوت و زمرّدی که در سلک مروارید برای زیب و زینت درکشند، درکشیدم...» (رسالهٔ اول: ص۷۹).

«امّا چون در چشمهٔ خیال و جوی ایهام، روحی وراحتی یافته بودم، نتوانستم که از آنجا بگذرم. لابدّ ایستاد نمودم و حدّت طبع را معوّل فرهاد ساختم و گرد آن چشمهٔ شیرین و جوی شیر به کاوکاو درآمدم...» (رسالهٔ چهارم: ص ۱۵).

از نامهای دیگر ایهام، تخییل و تخیّل است؛ ازاینرو امیرخسرو نیز این دو واژه را در کنار یکدیگر بکار برده است. وی در آغاز رسالهٔ چهارم، طرزهای نثر را چهار قسم تعریف میکند و آنها را به چهار طبع آبی و بادی و خاکی و آتشی تشبیه میکند. از این روشها، دو طرز قدیمند؛ یکی متعلّق به اهل حال و وجد که به طبع آتش تشبیه شده و دیگری، نثر مترسّلان است که مانند خاک است و دو طرز جدید، وضع خسرو هستند: در یک روش که ایهام و خیال را به هم آمیخته و بسبب نمایش خیال و لطافت آن، آن را «طبع آبی» نامیده و بیان میکند که تاکنون چنین روش نثری از قلم هیچ‌کس نچکیده: «در نثرهای دیگران هم ایهام و خیال می‌آید؛ امّا مختلط به صنعتهای دیگر؛ چون آبی به گل آمیخته و تیره که صورتی نتواند نمود. ولی من پردهٔ دل را غربیل کرده و از کدورت صنعتهای ثقیل بیرون برده و آبی روشن و صافی که صورت خیال درست نتواند نمود، بیرون آورده... تا اینچنین زلالی مصفّا بیرون آورده» (رسالهٔ چهارم: ص۲۰).

ایهام را به اعتبار اطلاق و نسبیّت به دو نوع نسبی و مطلق تقسیم کرده‌اند. ایهام نسبی «ایهامی است که براساس ارتباط و تناسب واژه یا تعبیر ایهام‌آمیز با واژه‌ها و تعبیرهای دیگری که در سخن است، حاصل میشود» (مرکز دائرهٔ المعارف اسلامی). ایهام نسبی اقسامی دارد که برخی از آنها توسّط قدما ابداع شده و مشهورند مانند: ایهام تناسب، ایهام تضاد، ایهام عکس، ایهام توکید، ایهام استخدام (استخدام) و برخی از سوی بلاغیّون **معاصر ابداع** شده‌اند که کمتر شهرت یافته‌اند. اعمّ از: ایهام ترجمه، ایهام توالد ضدّین، ایهام تشابه، ایهام تداعی (تبادر).

علاوه‌براین امیرخسرو صنایع جدیدی مانند ترجمه‌اللّفظ و ضمن‌اللّفظ ابداع کرده که هدف خود را از وضع این آرایه‌ها، رعایت تناسب بیان کرده و آنها را بکرّات در متن اعجاز بکار برده است. یکی از این صنایع، آرایهٔ ترجمه‌اللفظ است. ترجمه در لغت عبارت است از «بیان کلامی از زبانی به زبان دیگر» (دهخدا) و آرایهٔ ترجمه‌اللّفظ عبارت است از اینکه مؤلّف، ترجمه یا معنای واژه‌ای را بصورت ضمنی در دل کلمه‌ای دیگر از همان جمله بگنجاند؛ گاه این ترجمه به همان زبان و گاه به زبانی دیگر است. امیرخسرو دهلوی این صنعت را از مستدرکات خود برشمرده و حرف سیزدهم از، فصل صنایع جدید وضع امیرخسرو، رسالهٔ سوم رسایل الاعجاز را به معرّفی این صنعت اختصاص داده است: «این صنعت را روشی ابداع کردم که لفظی در پی لفظی بیارند؛ چنانکه دوم به طریق لطیفه، ترجمهٔ اول افتد؛ خواه عربی، خواه ترجمهٔ فارسی و خواه برعکس. و بدین سبب صنعت ترجمهٔ اللّفظش خواندم» (رسالهٔ سوم: ص۷۸).

www.SID.ir

Archive of SID

بکارگیری این صنعت در حجم وسیع، از مشخّصه‌های متن «اعجاز خسروی» است. برای نمونه در عبارت زیر، لفظ «مُل» در «ملتمس» برای «کُمیت» ترجمه‌اللفظاست و لفظ «می» در «میدان» برای «مل». لازم به ذکر است که کُمیت هم به معنی اسب سیاه دُم و هم به معنی شراب سرخ رنگ است:

«کُمیتی که ملتمس است، تأمّل را، میدان آن نمیباید داد» (رسالهٔ اول: ص ۱۷۹).

در این عبارت نیز بین «بالا» و «قامت» آرایهٔ ترجمه‌اللفظ بکار رفته: «ترکی چند، سرو قامت، از ولایت بالا رسیده‌اند؛ اگر قیمت ایشان به اندازهٔ قامت کنند، آنجا که راستی است، هرچه گویند، بالا می‌ارزد» (رسالهٔ اول: ص ۱۶۵).

یکی دیگر از مصادیق ایجاد تناسب در متن این اثر، کاربرد وسیع آرایهٔ «ضمن اللّفظ» است که امیرخسرو، در رسالهٔ سوم «اعجاز»، بخش صنایع جدید وضع امیرخسرو، ابداع این صنعت را به خود نسبت داده است. «ضمن» در لغت به معنی طی، درون و میانه است. در غیاث‌اللّغات ذیل کلمهٔ «ضمن»، در تعریف ضمن‌اللّفظ آمده: «صنعتی است در شعر که از میان لفظی، لفظ دیگر مذکور سازند، چنانکه در این بیت:

تو بی نظیر جهانی و من نظر نکنم　　به جانبی که ندارد رخ تو تاب نظر»

ضمن اللّفظ یکی از شگردهای بلاغی امیرخسرو است که برای رعایت نسبت، بکرّات در اعجاز خسروی بکار رفته است. در رسالهٔ اول چاپ سنگی رسایل‌الاعجاز صفحهٔ ۲۱ آورده: «و صنعت ضمن اللّفظ را که انباز گویند و ضمناً در لفظ باز بیاید و کلاغ نویسند و بی لاغ نباشد، برای وسعت نسبت، چگونه پرّان کرده تا کبوترنامه را از آن شرط، رشته دراز دهم».

در صفحهٔ ۱۹۰ نیز چنین گفته: «فی الجمله، به طریق جمل و معمّا و ضمن اللّفظ و نسبت، آنچه اسامی از ایّام و شهور و سنین تولّد پذیرد، در بطن این کاغذ به ظهور پیوست».

در رسالهٔ سوم رسایل الاعجاز، فصل صنایع جدید وضع امیرخسرو، حرف چهاردهم، در تعریف این صنعت آورده: «این صنعت وضع کردم و چون طریق این چنان است که در ضمن هر لفظی، چیزی که به رسم لطیفه خیزد، مراعات نمایند؛ خواه از اول لفظ و خواه از میانه و خواه از آخر. از اول، چنین که از مهد، مه و از برگ، بر و از میانه، چنین که از میمون مو و از قبول، بو و از آخر، چنین که از کدر در و از سحاب، اب...».

هدف اصلی مؤلّف از کاربرد این آرایه، رعایت تناسب است و درحقیقت مؤلّف با این صنعت، پیوندی لفظی بین اجزای متن ایجاد میکند. خود وی در رسالهٔ سوم، صفحهٔ ۸۰، هدف از وضع این صنعت را اینگونه تعریف کرده: «وضع این صنعت به جهت آن راست که اگر جایی در نظم یا در نثر رابطهٔ نسبت معنوی بگسلد، به طریق لفظی بدینگونه پیوند دهند و البتّه سلک نسبت را، گسست جایز نشمرند».

برای نمونه در عبارات زیر، بین «سحاب» و «رباب» و «آب»، «دُردور» و «دُر»، «کمیت» و «می»، «صراحی» و «راح» ضمن اللّفظ بکار رفته:

«و سحاب و رباب، هر دو، ابرند و به لفظ و معنی، آب دارند... دُردور نیز دریاست و چنان که در دریا، دُر نزدیک نباشد، در دُردُور نیز همان معنی درست آمده است. کمیت، می را میگویند و در لفظ نیز می است و راح، شراب را گویند و در میان لفظ صراحی نیز راح است» (رسالهٔ اول: ص۹۲).

در این عبارت نیز بین «آینه» و «معاینه» صنعت ضمن اللّفظ بکار رفته: «چنانکه سکندر در دور خویش، آینه ساخت و پیش بینایان نمونه گشت... امّا آنچه حدّ نگاه داشت، دو و سه و چهار نسبت است در مناشیر مطوّل، که صناعی نامحدود ریخته شود، معاینه خواهد شد» (رسالهٔ اول: ص ۲۱۶).

www.SID.ir

Archive of SID

تناسب معکوس یا تناسب منفی بین معنی لغات را تضادّ میگویند که نمونه‌های آن را بکرّات در اعجاز خسروی مشاهده میکنیم. در زیر، ازل/ ابد، روز/ شب، سواد/ بیاض در تقابل و تضادّ با یکدیگر قرار دارند:

«هم در دیوان ازل که این دفتر به تحریر پیوست، قلم قضا بیاسود و تا ابد که روز و شب نباشد این سواد و بیاض خواهد بود» (رسالهٔ اول: ص ۴۵).

یکی دیگر از روشهای ایجاد تناسب در کلام، مراعات نظیر است. به این صورت که بعضی از کلمات یک عبارت یا جمله، اجزایی از یک کلّ باشند. از ویژگیهای خاصّ سبکی رسایل‌الاعجاز، بسامد بسیار بالای مراعات نظیر است.

«دریاهای ماسوی الله پیش چشم همّت او قطره آبی ست که دست تقوی او انگشت بدان نیالاید. هر انگشتی بر دست ایشان، کلید درهای سماوات و هر خطّی بر کف ایشان، جایزهٔ اجابت دعوات» (رسالهٔ اول: ص ۱۳).

امّا آنچه کاربرد تناسب را در سبک این اثر خاصّ و متفاوت کرده، تاآنجاکه آن را میتوان یک نوآوری سبکی قلمداد کرد، این نکته است که نگارنده در بخشهای زیادی از کتاب، مطالب را تحت عناوین نسبتهای مختلف آورده است؛ به عبارت دیگر، هر بخش کوتاه را به یک نسبت اختصاص داده و ذیل هر عنوان یا نسبت، زیرمجموعه‌ای از لغات متناسب و مرتبط با آن را در لابلای کلمات متن گنجانده است. مثلاً در «نسبت از درودگری» آلات و ادوات درودگری و اصطلاحات خاصّ حرفهٔ نجّاری مانند تخته، تراشیدن، رحل، پایه، رنده، لوح، میخ، نجّار، چوب، تیشه و... را ضمن متن بیان کرده و نوعی تناسب بین اجزا ایجاد کرده که زیبایی متن را دوچندان کرده است. ضمن اینکه این کلمات متناسب، اغلب در معنای مجازی و استعاری بکار رفته‌اند:

«الفاظ یک رویهٔ مزلّق که در الواح انشای معتبران کتابت کم آمده باشد و کندهٔ ناتراشیده ماند؛ چنین که امتخاخ و انتیال و اعتصاء و تصافق و تطارق و امثال این دیگر در تراشکاری این طرز به هیچ کار نمی‌آید» (رسالهٔ اول: ص ۸۸).

یا مثلاً ذیل عنوان «نسبت ز طیور بین درین لوح» با رعایت آرایهٔ تناسب (مراعات نظیر) و ذکر اقسام پرندگان، در قالب مفاهیم مجازی و استعاری، اثر به گفتهٔ خود، ناچیزش را پیشکش درگاه سلطان میکند و امید به قبول پادشاه دارد:

«در این حضرت ضعیف‌نواز قادرگداز، عرضه میدارد بندهٔ کمترین، خسرو لاچین که چون بر عین عاطفت خدایگانی، اعتماد تمام است که در اغماض عیب و ابصار هنر، نظر در چشم بازدارد نه بر پای طاوس و اگر موری پیش آن تخت سلیمانی، پای ملخی خدمتی میبـرد، آن را عظـم سیمـرغ مینهـد و اگر عنکبوتی پر مگسی پیشکش میکند، به عزّت پر دم طاوس در میپذیرد، من بنده که در بوستان مجلس اعلی سالها گلبانگ هزاردستان زده‌ام، این سیه و سفید را که مانند زاغ ابلق، کسوت زیبایی ندارد، از میم مدح این درگاه، فاختهٔ طوق‌دار گردانیدم و چون صیّاد روستائی که جغد را پیش جمشید خدمتی برد که همای است و جمشید، با کمال دانش، تجاهل نمود و آن را به اعزاز همای قبول فرمود.» (رسالهٔ اول: ص ۲۲).

در عبارت فوق، مور و عنکبوت و صیّاد، استعاره از خود مؤلّف، پای ملخ و پر مگس و جغد، استعاره از شیء حقیر و کم‌ارزش و عظم سیمرغ و دم طاووس و همای، استعاره از شیء ارزشمند که منظور، همان رسایل‌الاعجاز است. همچنین، سیه و سفید، استعاره از رسایل‌الاعجاز که آن را به زاغ ابلق زشت و فاخته‌ای تشبیه کرده که طوق مدح برگردنش آویخته و آن را ارزش و زیبایی بخشیده است.

www.SID.ir

Archive of SID

خود مؤلّف، این کار را نشانهٔ تبحّر و استادی خویش میداند و در پایان رسالهٔ اول، برای نشان دادن قدرت طبع خود، دو نسبت از نجّار و حدّاد را با یکدیگر پیوند میدهد: «در هر لفظی چون مرغ در آشیانه در رود و نگاه کند که طعمهٔ نسبت را در حوصلهٔ لفظها چه استادانه گنجانیده‌ام...» (رسالهٔ اول: ص ۲۰۸).

یکی دیگر از مصادیق بارز رعایت تناسب در متن رسایل‌الاعجاز، استفادهٔ فراوان از ابیات فارسی و عربی در متن است. این ابیات، معمولاً در پایان هر بخش، متناسب با موضوع بحث و جهت تکمیل معنای کلام ذکر شده‌اند، و بندرت، در مواردی در اواسط بخشها مشاهده میشوند: «کمال معانی را از رابطهٔ بیان فضلای عالم زبان داد و مبانی کلام را بواسطهٔ زبان فصحای بنی‌آدم به کام رسانید.

گر بداند آدمی کین نعمت گفتار چیست / روز و شب جز شکر این نعمت نیارد در زبان» (رسالهٔ اول: ص۹).

مؤلّف کتاب ادّعا کرده تمامی ابیات فارسی و عربی که در بین متن یا در پایان هر قسمت آمده، از آن خود اوست و از غیر، تضمین نکرده و عاریتی نگرفته است: «خلاصه مراد بیش ازین نبود که در مقامات سخن خویش جز بیت خود از عربی و پارسی اگر همه سراسر خاکست درنیارم و نظم غیر، اگر خود عنبر بحری بود، سر قلم بدان تر نکنم» (رسالهٔ اول: ص۶۲).

همچنین مؤلّف، این ابیات را ممیّزی برای جدا کردن موضوعات از یکدیگر معرّفی میکند: «و در پایان مقامه نظمی نیز تحریر افتاد تا چون آغاز علم دیگر کرده شود، این نظم میان دو نمونه ممیّز باشد.» در جایی دیگر بیان میکند که آراستن پایان هر مطلب به نظم برای تزیین است؛ نه ضرورت: «باز سنجیدن طرز مکتوب اگر میزان نظم را جای به جای تعلیق کنند و یا نکنند نزدیک ماش جواز است زیراکه چون کفهٔ نسبت بالا و فرود یکی است نظم درو برای تزئین ساخته میشود نه به احتیاج... اگر توازن نظم از میان برخیزد، شاهین نسبت را دوال ترتیب گسسته شود» (رسالهٔ اول: ص۲۱۳).

لایهٔ ایدئولوژیک

ازآنجاکه امیرخسرو دهلوی ازلحاظ عرفانی به «طریقهٔ چَشتیّه» وابستگی و ارتباط داشته و از مریدان خاصّ شیخ نظام‌الدّین اولیاء بوده، میتوان بازتاب تفکّرات و اعتقادات وی را در بخشهایی از متن اثرش مشاهده نمود. چَشتیّه (منسوب به قریه‌ای در هرات، به نام چَشت)، نام یکی از فرقه‌های صوفیّه است که طیّ قرون متمادی یکی از بانفوذترین فرقه‌های شبه‌قارّهٔ هند بوده است. خواجه معین‌الدّین چَشتی نخستین کسی بود که این سلسله را در هند رایج گردانید. در واقع مؤسّس اصلی طریقهٔ چشتیّه را ابواسحاق چشتی (شامی) ذکر کرده‌اند. خواجه ابدال چشتی، خواجه مودود چشتی، نظام الدین اولیاء و... از بزرگان این فرقه هستند (زرّین‌کوب،۱۳۸۰) و (عزیزاحمد، ۱۳۷۶).

«بعضی از عقاید و آداب و رسوم این فرقه عبارتند از: ۱- پایبندی به شریعت، ۲- سماع، ۳- قوالی‌خوانی، ۴- ذکر ۵- چلّه‌کشی و... . چَشتیه، نزدیکترین فرقهٔ تصوّف به تشیّع است و پیروان آن ارادت فراوانی به اهل‌بیت (علیهم السّلام) دارند. شجرهٔ طریقهٔ چشتیّه از طریق ابراهیم ادهم و حسن بصری به حضرت علی (ع) و پیامبر اکرم (ص) میرسد» (عادلی، ۱۳۸۹).

امیرخسرو در دورهٔ جوانی، نزد نظام‌الدّین اولیاء، عارف پرآوازهٔ دهلی، به سیروسلوک عرفانی پرداخت و ارادت خاصّی به ایشان پیدا کرد. در اواخر عمر نیز دست از مدح کشیده و به زهد و انزوای صوفیانه روی آورد. او مجموعهٔ سخنان پیر و مرادش، نظام‌الدّین اولیاء را در کتابی با عنوان افضل‌الفواید نقل کرده است. همچنین در رسایل‌الاعجاز

www.SID.ir

Archive of SID

نیز ارادت خود را به پیر و مرادش نشان داده و قسمتی از دیباچهٔ آن را با عنوان «مدحت شیخ و نسبتش ز تصوّف» به مدح پیر و مرادش، شیخ نظام‌الدّین اولیا اختصاص داده است: «پی بر پی نعت پیغامبری که مقدّم انبیاست مدح بلند قدمی اقدام کنم که قدم متابعت پی بر پی او میزند یعنی پیشرو روندگان طریقت و رسیده‌ترین رسندگان عالم حقیقت و سریع السّیر خُطوَتَینِ وَ قَد وَصَل و رهنمای وَ قدمنا اِلَی مَا عَمِلوُا مِن عَمَلٍ وَ تَسلِیمٍ حبل متین فَعَّالٌ لِمَا یُرید و کمندانداز نَحنُ اَقرَبُ اِلَیهِ مِن حَبلِ الوَرید و نیابت دار اِنَّا اَرسَلنَاکَ شَاهِداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذیراً و روات رسان وَ یُطعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَی حُبِّهِ مِسکیناً وَ یَتیماً وَ اَسیراً و صلاگوی نِعمَةً مِن عِندِنَا بر عامّه بشر و حلاوت‌شناس چاشنی و نَجزی مَن شُکِر و ناظم امور دینی، حقّ الیقین اعظم نظام الحقّ والدّین» (رسالهٔ اول: ص ۱۲).

همچنین ارادت وی به حضرت علی (ع) و رسول اکرم (ص) را در اعجاز خسروی میبینیم. در قسمتی از مقدّمه، به نعت حضرت رسول میپردازد: «سردفتر همه افاضل برایا محمّد رسول الله را ساخت. شعر

عَلَیهِ اَفضَلُ الصَّلَوةِ حَقّاً مِنَ الرَّحمَنِ ذِی الفَضلِ العَظِیمِ

آن أفصَحَ العَرَبِ وَالعَجَم که به اعجاز ناخواندگی خوانده، همه بلغا نبوّتش نبشتند و آن اولین نوری که کلک راست رو تقدیر، در ظلمات عدم، همگی نقش کاینات در روشنای چراغ او نگاشت و آن آخرین آفتابی که تمامی ظلال ضِلال از سواد شرق و غرب به پرتو ذات او محو شده. زُوِیَت لِیَ الاَرضُ فَاُریتُ مَشَارِقَهَا وَ مَغَارِبَهَا فَسَیَبلغُ مُلکُ اُمَّتِی مَا زُوِیَ لِیَ مِنهُا.....» (رسالهٔ اول: ص ۱۰).

همچنین در جایی دیگر، ابوبکر، عمر، عثمان، حضرت علی (ع) و سایر صحابهٔ پیامبر (ص) و نیز خاندان پیامبر و پیروان ایشان را میستاید: «اول ابوبکر که امان‌نامهٔ ایمان، اول به نام آن بندهٔ آزاده تحریر یافته شد تا رویش بدان نور، چون نامه سفید گشت؛ دویم عمر، که عدل از نام او رقم یافت؛ بلک پای شرع را تاج سر خود ساخت؛ سیوم عثمان، که مصحف مجید را از رگ جان، شیرازه بست که از ته آن جلد، نقطه بالا بردند و بشارت خلدش رسانیدند؛ چهارم علی، که مولع علوم در قلب به مثابتی بود که در مدینهٔ رسول، درِ مدینهٔ علم گشت و صحابهٔ دیگر، که حاشیهٔ نامهٔ رسالت اند و ازواج معصومهٔ او، که امّهات معانی عصمتند و ذرّیات مکرّمه که نقطه‌های حروف یاسینند و آل و اتباع او که در سِفر مسفر اتباع فضل بالخیراند» (رسالهٔ اول: ص ۱۱).

با توجه به رواج تصوّف و مبانی عرفان اسلامی در میان مسلمانان هند، شاعران و نویسندگان این دوره، در آثار خود برای بیان اندیشه‌های صوفیانه، از مفاهیم قرآنی به شیوه‌های گوناگون تلمیح، اقتباس، ترجمه، عقد و... بهره میبردند. تجلّی آیات و احادیث در متون ادبی میتواند بصورت آشکار یا پنهان باشد که در رسایل‌الاعجاز بیشتر بشکل آشکار و صریح مشاهده میشود. در میان شیوه‌های اثرپذیری امیرخسرو از قرآن و حدیث، بیشترین سهم را اثرپذیری گزاره‌ای دارد. لازم به ذکر است که اثرپذیری گزاره‌ای، خود به دو گونهٔ اقتباس (تضمین) و حلّ تقسیم میشود. در شیوهٔ اقتباس، نویسنده، عبارتی قرآنی یا روایی را بدون تغییر یا با اندک تغییری در کلام میگنجاند. در شیوهٔ حلّ (تحلیل) کاربرد آیه یا حدیث با دگرگون کردن ساختار اصلی آن است (راستگو، ۱۳۹۳).

تضمین و اقتباس از آیات قرآنی و احادیث، از ویژگیهای سبکی اعجاز خسروی است که درحقیقت بازتاب باورهای صوفیانه و اعتقادات دینی اوست. این آیات و احادیث، گاه در پایان جمله آمده و تأکیدی بر معنای جملات قبل است؛ مانند:

«و این زمان کت درر نثر میفرمایم آن را نیز پیش ازان در دل خود وجهی اندیشیده‌ام که در هیچ خزینهٔ ذهنی نگنجد و آن این است که من شاعرم و زبان من، کلید گنجهای عرش. کما قال خازن الشّرع اِنَّ لِلهِ تَعَالی کُنوُزاً تَحتَ العَرشِ مَفَاتیحُهَا اَلسِنَةُ الشُّعَرَاءِ» (همان: ص۶۰).

www.SID.ir

Archive of SID

و گاه، آیات قرآن در دل جمله، نقش پذیرفته‌اند و بعنوان جزوی از اجزای کلام محسوب میشوند: «و آن تردامن سوخته خرمن آب و آتش میشد و از باد وَ استَکبَرَ در دود انگیزی بادی میگشت تا هم از آتش او رقم لعنتی بر تختهٔ پیشانیش داغ کردند و چون لت لعنت که در وی عناء بی پایان است به سبب آدمش رسیده بود ناگاه از کمین فَوَسوَسَ بیرون آمد و عصا هَذِهِ الشَّجَرَةَ به حدّی برو گذارد که زخم عَصَی آدَمَ رَبَّه خورده از آسمان بر زمین افتاد که اگر قوت و تاب فَتَابَ عَلَیه نبودی هرگز در مقام وَ هَدَی به پای راست قیام نتوانستی نمود» (همان: ص۳۸). و موارد فراوانی از این قبیل که زینت‌بخش سخن امیرخسرو شده‌اند و بسامد بالا، آن را به یکی دیگر از ویژگیهای سبکی وی در حوزهٔ ایدئولوژیک تبدیل کرده است.

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این پژوهش، برجسته‌ترین مختصّات سبکی رسایل الاعجاز، بر مبنای نظریّهٔ سبک‌شناسی لایه‌ای، در پنج سطح آوایی، بلاغی، ایدئولوژیک، نحوی و واژگانی قابل تحلیل است که در اینجا سه سطح زیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

با بررسی لایهٔ آوایی در نثر رسایل الاعجاز، به این نتیجه میرسیم که این اثر، بلحاظ موسیقی درونی متن، بسیار غنی است. در سطح آوایی، کاربرد فراوان سجع و جناس، ترصیع و موازنه، اقسام تکرار است که زیبایی و هماهنگی کلام را از لحاظ روابط آوایی افزون کرده است.

از مهمّترین ویژگیهای سبکی اعجاز خسروی در حوزهٔ بلاغی، میتوان از رعایت تناسب و انسجام متنی نام برد. امیرخسرو در چندین جای از کتابش، آن را مالامال از ایهام و خیال توصیف میکند و از پایبندی خود به رعایت اصول نسبت، سخن میگوید. اقسام ایهام، اعمّ از ایهام تناسب، ایهام تضاد و ایهام ترجمه یا به تعبیر امیرخسرو، «ترجمه‌اللّفظ» را در واقع میتوان از مصادیق انسجام واژگانی بحساب آورد، امّا آنچه کاربرد تناسب را در سبک این اثر خاصّ و متفاوت کرده، تاآنجاکه آن را میتوان یک نوآوری سبکی قلمداد کرد، این نکته است که نگارنده، در اغلب بخشها، مطالب را تحت عناوین نسبتهای خاصّی آورده است؛ به عبارت دیگر هر بخش کوتاه را به یک نسبت اختصاص داده و ذیل هر عنوان یا نسبت، زیرمجموعه‌ای از لغات متناسب و مرتبط با آن را در لابلای کلمات متن گنجانده است؛ به عبارت دیگر، مجموعه‌هایی از کلمات متناسب را درهم تنیده و آنها را با مفاهیم استعاری و مجازی عجین کرده است. زیباتر اینکه این تناسب، گاهی با ایهام و دوگانگی معنا همراه میشود و ایهام تناسب میسازد و گاه با آرایه‌های جدیدی مانند «ترجمه اللّفظ» و «ضمن اللّفظ» که ابداع و برساختهٔ خود اوست، نسبت بین اجزای کلام را رعایت میکند.

از نظر ایدئولوژیک نیز انعکاس باورهای فرقهٔ چشتیّه و اندیشه‌های عرفانی و صوفیانهٔ وی در بخشهایی از این اثر، چشمگیر است که بیانگر روحیهٔ عارف مسلک اوست. استفادهٔ فراوان مؤلّف از آیات قرآن و احادیث، حاکی از آشنایی وی با اصول دینی و عرفانی است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان استخراج شده است. آقای دکتر احمد امیری خراسانی راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم مریم افضلی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر محمدصادق بصیری نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای

www.SID.ir

Archive of SID

تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

در پایان، از متصدّیان بخش نسخ خطی مرکز اسناد کتابخانهٔ ملّی ایران و کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران که برای دستیابی به نسخ خطی و چاپ سنگی رسایل‌الاعجاز با نویسنده همکاری کردند، کمال قدردانی و سپاس را دارد.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

Adeli, S. (2010). The method of Sufism in Afghanistan. Religious site www.almazhab.org

Aziz, A. (1997). History of Islamic Thought in India. Translated by Naghi Lotfi and Mohammad Ja’far Yahaghi, Tehran: Keyhan, P. 57.

Dad, S. (2006). Dictionary of Literary Terms. Third edition. Tehran: Morvarid, p.55.

Dehlavi, A. (1876 AD), Rasael al-Ijaz, lithographic version, Lucknow, available in the Central Library of the University of Tehran.

Fotouhi, M. (2011). Stylistics, theories, approaches and methods. Tehran: Sokhan, pp. 35, 238, 246, 247, 303

Homayi, J. (1988). Rhetoric and literary crafts. Seventh edition. Tehran: Homa, p.49.

Mahmoudi, O. & Nourian, M. (2015). Amir Khosrow Dehlavi's Poetry Style (A Case Study of Masnavi Noh Sepehr). *Literary Criticism and Stylistics Research*. No. 1 (21 consecutive). pp. 162-137.

Mohammadi Afshar, H. & Shayan Mehr, K. (2017). Layered Stylistics of Qaisar Aminpour Poetry Collection, *Journal of Sustainability Literature*. Faculty of Literature and Humanities. Kerman Shahid Bahonar University. 9 (16), pp. 259- 281.

Rastgu, S. (2014). Manifestation of Quran and Hadith in Persian Poetry, Eleventh Edition, Tehran: Samt.

Rezaei, I. et. al. (2016). A study of inner music in the miracle of Khosravi and the treasures of Amir Khosrow Dehlavi Quarterly Journal of Subcontinental Studies, Sistan and Baluchestan University, 7 (29), pp.69-82.

The Great Islamic Encyclopedia, Islamic Encyclopedia Center, "Iham" article, vol.10, p. 17, 4229.

Zarrin Koob, A. (1975). Amir Khosrow, poet and critic. *Journal of Literature and Languages*. No. 4, pp. 19-25.

Zarrin Koob, A. (1977). With Holla caravan. fourth edition. Tehran: Javidan, pp. 220, 224.

Zarrin Koob, A. (2001). Searching for Sufism in Iran. Fifth Edition, Tehran: Amirkabir, p. 217.

www.SID.ir

Archive of SID

فهرست منابع فارسی

امیرخسرو، شاعر و منتقد، زرّین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۵۴). مجلّهٔ ادبیات و زبانها. شمارهٔ ۴. صص ۱۹-۲۵.

با کاروان حلّه، زرّین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۵۶). چاپ چهارم. تهران: جاویدان.

بررسی موسیقی درونی در اعجاز خسروی و خزاین‌الفتوح امیرخسرو دهلوی، رضایی، ابراهیم و دیگران. (۱۳۹۵). فصلنامهٔ مطالعات شبه قارّه، دانشگاه سیستان و بلوچستان، (۲۹) ۷، صص۶۹- ۸۲.

تاریخ تفکّر اسلامی در هند، عزیز، احمد. (۱۳۷۶). ترجمهٔ نقی لطفی و محمّدجعفر یاحقّی، تهران: کیهان.

تجلّی قرآن و حدیث در شعر فارسی، راستگو، سیّدمحمّد. (۱۳۹۳). چاپ یازدهم، تهران: سمت.

دنبالهٔ جستجو در تصوّف ایران، زرّین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۰). چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.

رسایل‌الاعجاز، دهلوی، امیرخسرو، (۱۸۷۶ م)، نسخهٔ سنگی، چاپ لکنهو، موجود در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران.

سبک‌شناسی لایه‌ای مجموعه اشعار قیصر امین‌پور، محمّدی افشار، هوشنگ و شایان مهر، کبری. (۱۳۹۶). نشریّهٔ ادبیات پایداری. دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه شهید باهنر کرمان. (۱۶) ۹، صص ۲۵۹-۲۸۱.

سبک‌شناسی، نظریّه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). تهران: سخن.

طریقهٔ صوفیّهٔ چشتیّه در افغانستان. عادلی، سیّدمرتضی. (۱۳۸۹) سایت المذهب www.almazhab.org

فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما. (۱۳۸۵). چاپ سوم. تهران: مروارید.

فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدّین. (۱۳۶۷). چاپ هفتم. تهران: هما.

معرفی نویسندگان

مریم افضلی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران.
(Email: *m.afzali3333@gmail.com* نویسنده مسئول:)

احمد امیری خراسانی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران.
(Email: *amiri@uk.ac.ir*)

محمدصادق بصیری: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران.
(Email: *basiri@uk.ac.ir*)

COPYRIGHTS
©2021 The author(s). This is an poen access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Maryam Afzali: PhD student in Persian language and literature, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran.
(Email: *m.afzali3333@gmail.com* نویسنده مسئول:)

Ahmad Amiri Khorasani: Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran.
(Email: *amiri@uk.ac.ir*)

Mohammad Sadegh Basiri: Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran.
(Email: *basiri@uk.ac.ir*)

www.SID.ir